

نقش زنان در خمسه ی نظامی^۱

حمید صمصام

استادیار دانشگاه

چکیده

زن در پیدایش و بازنمود حوادث اجتماعی در داستان های ملی ایرانی جایگاه ویژه ای دارد و بیشتر اوقات مهمترین عنصر ساخت قصه ها به شمار می رود. رویکرد اصلی همان ساختار اساطیری قصه ها از نظر جایگاه و نقش زن در امور اجتماعی و سیاسی کشور و همین طور نظر شاعر درباره ی زن است که بیشتر در تک بیت ها و یا ابیاتی که مربوط به اظهار نظر خود شاعر می باشد بیان شده است؛ که متأثر از حکومت و نظام اجتماعی است. زن در پایداری حکومت؛ تعیین مرزها، شکل گیری نوع زمامداری جنگ ها و... موثر بوده است بی شک بررسی و پنج گنج می تواند به نقش کلیدی زن در زمامداری و حکومت و همین طور ساختار اجتماعی عصر آن بینجامد. هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و تاثیر عنصر زنانه در شکل گیری نهادهای اجتماعی در آثار نظامی می باشد؛ چون این آثار از منابع موجود در فرهنگ پیشین گردآوری و سروده شده اند بنابراین اشعار آن بازتاب فرهنگ ملی و ایرانی ماست.

واژه های کلیدی: زن، دختر، کشور، پادشاهی، نقش سیاسی و اجتماعی.

^۱داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

مقدمه

اساطیر هر قوم تاریخ نمادین و آیینی ی باورها، ترسها، شادبها، ارزشهای مورد قبول آن قوم است. در این تحقیق به بررسی نقش اجتماعی زن در پنج گنج پرداخته می شود. پیش از این کتابها و مقالات متفاوتی در این حوزه منتشر شده است که از آن جمله اند:

۱- جایگاه اجتماعی سیاسی زنان شاهنامه - فریده یوسفی ۲- نگاه به زنانگی از دیدگاه نظامی - بهرام سلاجقه، ۳- مقاله بررسی نقش زن در شاهنامه زهرا فلاحتیان، ۱۳۹۰، ۴ مقاله، جایگاه زن در شاهنامه و امیر خسرو دهلوی فاطمه حسینی خورشید ۱۳۹۰، همایش بین المللی حکیم ابوالقاسم فردوسی، سیستان و بلوچستان و زنان در طول تاریخ اساطیری نقش اجتماعی ویژه ای در جنگ ها، انقلابها و صلح ها داشته اند و عامل اصلی تحولات اجتماعی بوده اند.

سؤال اصلی این پژوهش این است که ظهور عامل زنانه در داستانهای اساطیری و پنج گنج نظامی چگونه بوده است و آیا متفاوت بودن زمانه ی زیست نظامی و نظام های حاکم در تحلیل آنها از زن در آثار خلق شده موثر بوده است؟ با پاسخ به این دو پرسش به دو ویژگی برمی خوریم:

۱- تعریف اساطیری زن که به ساختار و فرم قصه مربوط است. ۲- نظر شاعر در مورد زن (با توجه به مسائل اجتماعی عصر زندگی شاعر) که به ابیات درون قصه ای یا برون قصه ای مربوط می شود و صرفاً بازتاب عقیده ی شاعر است. این تحقیق به روش کتابخانه ای و نگاه تحلیل گرایانه ارائه می گردد. آثار نظامی ریشه در فرهنگ و باورهای مردم ایران دارد و تنها زمان سرایش آثار متفاوت بوده است و این در نحوه ی نگارش موثر واقع شده است. در آثار نظامی ۱- ساختار داستانها به گونه ای است که به نقش حساس و کلیدی زن اشاره دارد ۲- داستانهای پنج گنج از حمله ی اسکندر به ایران به لحاظ منبع روایت یکسان است ۳- تاریخ و نظام حاکم بر جامعه ی ایران در تحلیل دو شاعر موثر واقع شده است.

نقش اجتماعی زن در پنج گنج

آثار نظامی شرح اساطیر و اتفاقات ایرانی است. چنانچه نظامی که بعدها اقدام به سرایش پنج گنج خود نموده است در آغاز سرایش پنج گنج خود اشاره می کند که اثرش متأثر از فردوسی است و از ریزه های جواهر اثر بی مانند فردوسی و شاهنامه به سرایش داستانهای عاشقانه خود دست یازیده است.

۱-۱- داستانهای پنج گنج

داستان خسرو و شیرین - اسکندر، روشنگر و فتوحات اسکندر داستان بهرام گور - قیصر و خسرو از جمله داستانهای مشترک بین پنج گنج و شاهنامه است. در واقع آنچه پس از حمله ی اسکندر در بخش پایانی پهلوانی شاهنامه «که از پایان داستان ضحاک تا آغاز عصر روادیان ادامه می یابد» (صفا، ۱۳۸۷: ۸۷)

با آنچه در داستانهای اسکندرنامه یا خسرو و شیرین ادامه می یابد به لحاظ تاریخی اشتراک وجود دارد و داستانها یکی است.

۱-۲- اشتراک داستانها در پنج گنج به لحاظ زمان و تاثیر آن بر نقش اجتماعی زن

همانطور که اشاره شد بعد از حمله ی اسکندر داستانها به لحاظ درون مایه یکی هستند و به لحاظ پرداخت می تواند متفاوت باشند این تفاوت مربوط به دوران زندگی این دو شاعر، تفاوت نگاه آنها به زن و تاثیر اجتماعی و اهمیت به مقولات عاشقانه باشد که زن تاثیر بسزایی در آن دارد.

۳-۱- نگاه به زن از زبان و دیدگاه نظامی

هرچند که در داستانها ما به زنان نامدار و تاثیرگذار برمی خوریم اما نظامی نگاه خردورزانه ای به زن ندارد و سرانجام کارها را با زن خراب می داند.

نگرش به زن در شاهنامه دارای نوسانات متعددی است که ریشه آنرا می توان در جریانات فکری و عقیدتی جست و جو گاهی چون گردآفرید همآورد سهراب می گرددو زمانی گور را بهترین داماد وی می داند. زنان آرمانی در حماسه فردوسی کم نیست و در جای جای داستان محور اصلی و هسته تشکیل دهنده آن زن می باشد، داستان سیاوش، زال و رودابه و تهمینه و غیره. از نقش آفرینان زن در شاهنامه است:

«اکثر شاهنامه پژوهان زنان شاهنامه را در پیشبرد داستان هاموثر داسته و برای آنها جایگاهی مستقل از مردان قائلند»(خلیلی جهاتیغ، ۱۳۹۰:۱۲۵۷)

و یا نظری دیگر خلاف روح حاکم مرد سالاری در حماسه فردوسی:

«در شعر فردوسی، بلند آوازی زنان در پیوند بابلند آوازی مردان، اساس بزرگی خود را باز می یابد. همچنانکه... با (مادر فریدون) بودن رودابه با (مادر رستم) بودن، تهمینه (با مادر سهراب بودن) و کتایون (با مادر اسفندیار بودن) و مقام یا جای ویژه خود را در شاهنامه می یابند.»

(ترابی، ۱۳۶۹:۷۵)

در مخزن الاسرار در نكوهش زمامداری که رعایت رعیت را نکرد نظامی چنین سروده:

مصحف و شمشیر بینداخته	جام و صراحی عوضش ساخته
آیینه و ساز گرفته به دست	چون زن رعنا شده گیسو پرست
چند کنی دعوی سرافکنی	کم زن و کم زن که کم ارزنی
	(مخزن الاسرار: ۸۴)

نظامی هر چند که از درون مایه های اساطیری برای نوشتن اثرش استفاده کرد، اما دیدگاه قالب در واقع سخیف شمردن زن است «در جامعه ی مردسالار زمان خود هر چند که در نهایت داستان های او به سرفرازی زنان منجر شوداما آنجا که ابراز عقیده درباره ی زن پرداخته نگاه خود را بیان کرده است.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۹۷)

مثلاً آنجا که اسکندر در کشورگشایی خود نیرنگ می ورزد و در پوشش پیک اسکندر به دربار نوشابه (فرمانروای بردع) (ازمحال روس و ابخاز) می رود. نوشابه با فراست خود او را می شناسد و در گفتگو برتری خود را ابراز می دارد و اسکندر با وجود آنکه در مقابل نوشابه احساس شرمساری می کند و به کاردانی او اعتراف می کند با این حال معتقد است که زن نباید فرمانروا باشد و به او نباید اعتماد کرد هر چند پارسا باشد بهتر است خانه نشین باشد.

به دل گفت کاین کاروان گر زنست	به فرهنگ مردی دلش روشن است
زنی کوچنین کرد اینها کن	فرشته بر او آفرین ها کن...
	(اسکندرنامه: ۱۱۰)

از این نمونه ها در پنج گنج نظامی دیده می شود و گاه آن را می توان توصیفی از خود شاعر دانست.

مثلاً در بدگویی و نیرنگ مریم درباره ی شیرین نزد خسرو شاعر نظامی چنین می گوید:

عطار را به زرق از ره براند	بسا زن کو صدا از پنجه نداند
درو نسو خبث و بیرون سو خجالند	زمان مانند ریحان سفالند
وفا در اسب و در شمشیر و در زن	نشاید یافتن در هیچ برزن
چو زن گفתי بسو از مردی اوست	وفا مردی است بر زن چون توان ست
مجوی از پهلوی چپ جانب راست	زن از پهلوی چپ گویند برخاست

(خسرو و شیرین: ۱۹۶)

هر چند چنین دیدگاهی را که (نظامی) ذکر می کند، اما ساختار قصه ها به نقش پررنگ زنان در اداره و تشکیل حکومت ها و اجتماع اشاره دارد؛ در این اشعار زن به صفات مذمومی که اغلب به زنان در ادبیات نسبت داده شده نكوهیده می شوند. صفاتی چون نادانی، ظاهرینی، حيله گری، بی وفایی و وسوسه انگیزی، این صفات بیشتر می تواند به دلیل جامعه ی مردسالار و حس شهوت پرستی در مردان باشد، نکوهیدن وسوسه انگیزی زن در هفت خوان اسفندیار و رستم به اوج خود می رسد. در خوان وسوسه زن جادو که هر دو پهلوان نهایتاً از آن پیروز بیرون ی آیند. شاید گاه زن مترادف هوسها و تمایلاتی باشد که به لحاظ دینی و اخلاقی مرد از آن منع شده است و جامعه نیز مردسالار بوده است؛ اما به هر روی: «فرزانه ی توس، بنا به تحقیقات زمان خود زن را با واژه های اغراق آمیز نستوده است اما نقش او را در ایجاد کانون های قدرت و استمرار آن به خوبی نمایانده است». (یوسفی، ۱۳۸۲: ۳)

۴-۱- بررسی شکل شناسانه ساختار داستانهای پنج گنج در اشاره به نقش اجتماعی زن

همانطور که ذکر گردید با آنکه زنان گاه با صفات ذمیمه مکر و حسد و نادانی مورد نکوهش قرار گرفته اند، اما با نگاهی اجمالی به شکل ساختارها و فرجام داستانهای اساطیری در می یابیم که زن نه تنها موجودی دست دوم و حيله گر نیست، بلکه عامل اصلی شکل گیری حماسه ی ملی شاهنامه و آثار عاشقانه ی نظامی است. دیدگاه غالب همانطور که گفته شد مربوط به دوره و عصر زندگی دو شاعر است ولی در اصل و قالب خود داستان چیز دیگریست. «کمال بی عدالتی است که تصور کنیم زنان شاهنامه تبعیدی شبستان ها هستند و فریاد مرگ و زندگی شان از پرده ی حرم سراها عبور نمی کند».

(یوسفی، ۱۳۸۲: ۲۸)

«نقش اساسی آنان در ایجاد کانون های قدرت و استمرار آن است. زن در شاهنامه عامل ادغام قلمروهای حکومتی است و در ازدواج درون گروهی عامل پایداری قدرت و در ازدواج بیرون گروهی نقش موثری در جذب و دفع قدرت دارد».

(همان: ۳۲)

۲- نقش و تاثیر زنان در تحولات اجتماعی در پنج گنج نظامی

۱-۲- زنان موثر در ساخت نظام اجتماعی اساطیر شاهنامه فردوسی

همانطور که می دانیم چندین پادشاه زن در شاهنامه ی فردوسی داریم که این خود نشانگر آن است که زنان بر تشکیل و استقرار حکومت ها تاثیر بسزایی داشته اند. بسیاری از آنان در جنگ ها و پیروزی ها موثر بودند، این موضوع در آثار نظامی هم دیده می شود؛ در ایران باستان هنر جنگ آوری مختص مردان نبود و زنان نیز گاه با پوشیدن زره و سلاح به جنگ می رفتند. از پهلوانان گرد زن شاهنامه می توان به گردآفرید، گردیه، آذرگشت و... اشاره کرد. گردیه خواهر بهرام چوبین است و به جنگ آوری معروف، در شاهنامه ی فردوسی آنجا که گردیه در مقابل خسرو پرویز قرار می گیرد شیرین و خسرو با هم دیالوگ می کنند.

چنین گفت شیرین که ای شهریار
تو با جامه پاک بر تخت زر
بخندید شیرین چنین گفت شاه

به دشمن دهی آلت کارزار
ورا هر زمان بر تو باشد گذر
کزاین زن جز دوستداری مخوده
(خسرو و شیرین: ۹۴)

که این خود توجه و نظر مثبت خسرو پرویز را نسبت به گردیده نشان می دهد و زمانی که خسرو نامه ی گردیده را دریافت می کند چنین می سراید:

یکی نامه بنوشت نزدیک شاه
چو آن نامه نزدیک خسرو رسید
فرستاده ای خواست شیرین سخن
یکی نامه برسان ارژنگ چین
گرانمایه زن را به درگاه خواند
فرستاده آمد برزن گرد
زن شیر زان نامه شهریار

ز بدخواه و از مردم نیک خواه
از آن زن و را شادی نورسید
که راند همه داستان کهن
نوشتند و کردند چندین آفرین
به نامه و را افسر ماه خواند
سخنهای خسرو بدو یاد کرد
چو رخشنده گل شد به وقت بهار
(خسرو و شیرین: ۱۲۴)

تدابیر زنان گاه از جنگ ها جلوگیری کرده است چنانچه تدبیر شیرین در شاهنامه و همین طور خسروشیرین به خوبی نمایان است از جمله دانش ورزی های وی زمانی است که خسرو به خوشگذرانی مشغول است و شیرین مملکت را در خطر تاراج قیصر روم می بیند و پیشنهاد سفر را به خسرو می دهد که در بازگشت خسرو مریم دختر قیصر را به زنی می گیرد.

همین طور سیندخت که با رفتن به نزد سام و سخن گفتن از جنگ دو کشور جلوگیری می کند و باعث ازدواج زال و رودانه می شود.

با این تعاریف در می یابیم که در ساختار قصه ها زن از نقش پررنگ و مثبتی برخوردار است. وی می تواند موجودی موثر و متحول کننده در اجتماع محسوب گردد. این نگاه در سرتاسر شاهنامه به چشم می خورد.

۲-۲- نگاه موثر به نقش اجتماعی زن در آثار نظامی

نظامی رویکرد عاشقانه تری به داستانهایش دارد. «زنان داستانهای او معشوقه ها و دلبران هستند. دلبرانی که هر چند عنصر اصلی بافت قصه را تشکیل می دهند اما تأثیراتی در حکومت و سیاست و اجتماع نیز دارند، معروف ترین اثر او خسروشیرین، زنی با فراست، دانا، عاشق پیشه و زمامدار است که اگر او نباشد خسرو نمی تواند به خوبی از عهده ی اوضاع مملکت برآید.» (پورجوادی، ۱۳۷۰: ۳۶)

بر تلس خاورشناس روس در این باره چنین می گوید: «در منظومه خسروشیرین قهرمان واقعی داستان و نقطه مرکزی داستان شیرین است در این داستان خسرو مانند مردمان روزگار خود زن را بازیچه خرید و فروش و ارضای امیال جسمانی خود می داند اما نظامی با واقعیت و احترام از زن و شخصیت و دانایی و ذکاوت شیرین سخن گفته است.» (برتلس، ۱۳۵۵: ۸۳)

زن در داستانهای نظامی قدرت اداره کشور دارد و مانند مردان در حکمرانی و سیاست و حکمت و دانش دلاوری و جنگ و خردمندی و دادگستری عرض وجود می کند و در بسیاری موارد به ویژه عشق استقامت او حتی از مردان نیز بیشتر است که گواه آن منظومه خسروشیرین است.

در هفت پیکر با آنکه زنان نقش کنیز را دارند و تنها برای برآوردن امیال شهوانی بهرام آراسته می گردند و با اینکه داستان با این روند پیش می رود اما داستانهایی که توسط همین زنان در هفت سرا روایت می شود مایه های اخلاقی، اندرز و دانایی دارند و مملو از نصیحت و پند اخلاقی و روش زمامداری مملکت است.

خواست تا بانوی افسانه سرای	آرد آیین بانوانه به جای
گوید از راه عشقبازی او	داستانی به دل نوازی او
	(هفت پیکر: ۲۳۵)

اما شاهدخت این گنبد به جای پرداختن به داستانی شهوانی پندی اخلاقی و تربیتی به او می دهد. همین طور زن نمودار عفاف و پاکدامنی است و نظامی نیز از آن یاد کرده است. با آنکه داستان خسرو شیرین و لیلی و مجنون داستانی عاشقانه است اما در نهایت عفاف نقل می شوند، چنانچه در نخستین دیدار لیلی در ده قدیم مجنون ایستاده و یارای جلو رفتن را ندارد.

این گونه که شمع می فروزم	گر بیشترک روم بسوزم
زین بیش قدم زدن هلاک است	در مذهب عشق عیناک است
	(لیلی و مجنون: ۲۱۲ - ۲۱۳)

در خسرو و شیرین در حالیکه شیرین مملو از خواهش است اما به دلدار چنین پاسخ می دهد:

مجوی آبی که آبم را بریزد	مخواه آن کام کز من برنخیزد
چو باید طبع بدرا رام کردن همان	دو نیکونام را بدنام کردن
بہترکه از خود شرم داریم	بدین شرم از خدا، آزریم داریم
	(خسرو شیرین: ۱۲۱)

این خود نگاه بسیار مثبتی به زن است با وجود نجابت شیرین در این منظومه بارها به شهوت ران بودن خسرو اشاره می کند، خسرو پادشاه ساسانی جفاهای بسیار بر شیرین روا می دارد. با وجود رفتارهای نابه هنجار خسرو، شیرین او را به عشق حقیقی رهنمود می سازد.

هنوزم ناز دلت می نمایی	هنوز از راه جباری در آیی
هنوزت در سر از شاهی غرورست	دریغاکا این غرور از عشق
تو از عشق منو من بی نیازی	ترا شاهی رسد یا عشقبازی
نیاز آرد کسی کاو عشقباز است	که عشق از نیاز زن بی نیاز است
نسازد با عاشقی سرفرازی	که بازی بر بتابد عشقبازی
	(خسرو شیرین: ۱۲۴)

در جای دیگر شیرین خسرو را به حکومت داری فرا می خواند و این در حالی است که خسرو به زن بارگی و عشقبازی مشغول است و شیرین نقش هدایت کننده را به عهده دارد.

آن زمانی است که هرمز پدر خسرو می میرد و تاج و تخت از سوی بهرام چوبین به خطر می افتد. شیرین در پاسخ به این دلدادگی می گوید که در فکر نجات مملکت و حفظ سیانت ملی باش و خسرو به روم می رود تا از قیصر روم کمک بخواهد و ره آورد این سفر ازدواج با مریم دختر قیصر روم است.

در داستان کنیزک و بهرام گور هم به درایت کنیزک اشاره می کند و پندهایی که به بهرام گور می دهد. نظامی در اسکندرنامه در صفات نوشابه می گوید:

زنی ز بس مرد چالاکتر
قوی رای و روشن دل و
به گوهر زده یا بسی پاکتر
به مردی کمر بر میان آورد
(اسکندرنامه: ۱۲۰)

مهمترین صفات یاد شده در آثار نظامی ارزن ابتدا زیبایی و دلدادگی، شعور و نژادگی عفت و پاکدامنی - جنگاوری مردی - کارآزمودگی و بخردی و دانش است.

۳- تاثیر اجتماعی زن از لحاظ برقراری صلح و کشورگشایی میان دو سرزمین

زنان در طول تاریخ نقش برقراری صلح و ثابت ماندن مرزهای سرزمین ها را داشته اند، همچنین گاه به گسترش مرزهای کشورها نیز کمک کرده اند که این امر بیشتر با ازدواج اتفاق می افتاده است. «نقش اساسی آنان در ایجاد کانون های قدرت و استمقرار آن به خوبی نمایانده می شود. زن شاهنامه کامل ادغام قلمروهای حکومتی است و در ازدواج درون گروهی عامل پایداری قدرت و در ازدواج برون گروهی نقش موثری در جذب و دفع قدرت دارد.» در بسیاری از جاها پدر با به عقد درآوردن دخترش کشورش را حفظ کرده است. تا جایی که در بسیاری از ابیات کلمه ی دختر و کشور و شهر همراه هم آمده است.

در پنج گنج نظامی این نقش زن به خوبی دیده می شود، در هفت پیکر هر قبه مربوط به دختری از یک سرزمین است، در خسروشیرین شهزاده ی زیبا و بخرد ارمنی است که به عقد خسرو در می آید؛ در اسکندرنامه کیدهندو دختر خود را به اسکندر به عنوان هدیه می دهد و روشنگر دختر داریوش به ازدواج اسکندر در می آید؛ نظامی در رابطه با مادر روشنگر چنین می گوید:

نگویم گرامی ترین گوهری
پدرکشته ی بی پدر مانده ای
سپردم به زنهار اسکندری
سپردم به نامی ترین شوهری
یتیمی ولایت برافشانده ای
تو دانی و فردا و آن داوری
(شرفنامه: ۲۵۵، ۲۵۴)

در نصیحت شیرین و سفر خسرو به روم ازدواج با مریم دختر قیصر توسط خسرو و صورت می گیرد که از جنگ با رومیان جلوگیری می شود.

نتیجه گیری:

زنان در پنج گنج نظامی نقش پررنگی دارند تا جایی که درون مایه ی بسیاری از قصه ها بر محوریت زن است، با آن که درون مایه ی داستانهای شاهنامه حماسی و ملی است و قصه های نظامی تم عاشقانه دارد اما به نقش اجتماعی زن اشاره شده است.

در آثار نظامی نیز زن نقش پررنگی دارد گاه ایستادگی زن در مسایل خصوصاً ماجراهای عشقی حتی از مردان هم بیشتر است این موضوع در داستان خسرو شیرین، شیرین شاهزاده ی ارمنی و لیلی و مجنون مشهود است، زنان بخرد نظامی در هفت پیکر با آنکه در نقش کنیز وارد می شوند اما به نصیحت و یاد دادن روش زمامداری به بهرام گور می کوشند، نوشابه زن دانایی است که فرمانروایی منطقه بردع است و نوشابه نهایت فراست و زمامداری ظاهر می گردد. شیرین در خسروشیرین با نصیحت به

خسرو و راه و رسم کشورداری را به او یادآور می شود و به او نصیحت می کند به روم برود با قیصر مذاکره کند که حاصل این سفر ازدواج با مریم دختر قیصر است...

هر چند که گاه شاعر ابیاتی در نکوهش زن یا صفات رذیله زنانه داشته اند که این کوتاه اشاره شد و ذکر گردید.

در این مقاله به نقش و جایگاه زن در این کتابها پرداخته شده و با رویکرد تحلیلی از آن سخن رفته است.

منابع:

- ۱- برتلس، یوگنی ادواردویچ، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان ترجمه حسین محمدزاده صدیق، ۱۳۵۵، انتشارات پیوند.
- ۲- پورجوادی، دکتر نصرالله، شیرین در چشمه، ۱۳۷۰، نشر دانش.
- ۳- ترابی، علی اکبر، فردوسی در زنان، مردانگی را دوست دارد، آدینه ش ۵۳، ۱۳۶۹
- ۴- ثروت، منصور، آینه حکمت در آثار نظامی، تهران، ۳۷۰، نشر امیرکبیر.
- ۵- خلیلی جهانتیغ، مریم، بررسی جایگاه زن در شاهنامه و تطبیق آن با زن آرمانی، کاخ بی گزند، (مجموعه مقالات همایش بین المللی حکیم ابوالقاسم فردوسی)، سنبله، ۱۳۹۰
- ۶- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح ژول مول، ۱۳۷۴، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ۷- سرامی، قدمعلی، شکل شناسی داستان های شاهنامه، ۱۳۷۴، نشر مرکز.
- ۸- صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، ۱۳۷۸، تهران فردوس.
- ۹- نظامی گنجوی، محمدبن الیاس، لیلی و مجنون، وحید دستگردی، ۱۳۷۹، نشر قطره.
- ۱۰- _____، اسکندرنامه، وحید دستگردی به اهتمام سعید حمیدیان، ۱۳۷۹، نشر قطره.
- ۱۱- _____، خسروشیرین، وحید دستگردی به اهتمام سعید حمیدیان، ۱۳۷۹، نشر قطره.
- ۱۲- _____، هفت پیکر، وحید دستگردی، ۱۳۸۷، نشر قطره.
- ۱۳- _____، شرفنامه، وحید دستگردی، ۱۳۸۷، نشر قطره.
- ۱۴- یوسفی فریده، مقاله جایگاه اجتماعی سیاسی زنان شاهنامه، ۱۳۸۲، ناشر شفلین.